



سرنوشت مطالبات کارگران هفت تپه ...

اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه که از ۲۶ خرداد آغاز شده بود وارد پنجمین روز خود شد. اعتصابات کارگران این مجتمع تولیدی و کشاورزی از مدت‌ها قبل بویژه پس از واگذاری شرکت به بخش خصوصی و بحرانی که متعاقب آن دامنگیر این موسسه شد، آغاز شده و تا به امروز مراحل مختلفی را طی نموده است. از اعتصابات درون کارخانه ای گرفته تا اعتصابات تظاهراتی و از خواست پرداخت حقوق معوقه گرفته تا رسانمودن کلاهبرداری سرمایه داران مالک این مجتمع و افزایش تبنای دولتمردان و مالکین در اختلاس میلیاردی ورشوه خواری مسئولین و در نهایت طرح اداره شورائی این مجتمع بزرگ بوسیله خود کارگران در این مبارزات مطرح شده اند .

ادامه در صفحه ۳

فرهنگ ناموس و غیرت در اسلام

خشونت علیه زنان و کودکان بهر شکلی که توجیه شده و توضیح داده شود جنایت و جرم آشکار است. رومینا اشرفی یکی از صدها کودکی است که هر ساله توسط مردانی که خود را صاحب اختیار کامل زنان و کودکان می دانند، در کشور اسلامزده ای همچون ایران بقتل میرسند. زن و کودک برای قاتلینی همچون پدر رومینا و متجاوزینی همچون بهمن خاوری یک تعریف مشابه دارد. زن بویژه کودک دختر در این تعریف کالایی برای معامله است. کالایی است که از یک صاحب اختیار به صاحب دیگری منتقل و یا معاوضه میشود. ادامه در صفحه ۵

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای

چپ و کمونیست

علیه شلاق سرمایه. علیه نمایش

حمایت از کارگر

صفحه ۴

درباره گرویدن کمونیست به

غیر کمونیسم

صفحه ۹

"میخواهم مثل پرنده ای باشم که

بتوانم به روی

هاوانا پرواز کنم"

صفحه ۱۲

شعر " بهاران "

صفحه ۱۴

اعتراضات اجتماعی در آمریکا و

سایر کشورهای جهان

اعتراضی است بر علیه تبعیضات

نژادی، جنسیتی و طبقاتی..

اعتراضات اجتماعی در شهرهای آمریکا که با قتل یک سیاه پوست بوسیله یک پلیس سفید پوست کلید خورد، اکنون علاوه بر شهرهای بزرگ آمریکا، برخی از شهرهای نقاط دیگر جهان رانیز دربر گرفته و به یک جنبش اجتماعی گسترده و جهانی علیه تبعیضات نژادی، جنسیتی و طبقاتی ارتقاء یافته است. مرگ دلخراش و خشونتبار "فلوید" زیر زانوی پلیس نژادپرست آمریکا، جرقه ای بود بر آتش خشم توده های محروم و تحت فشار فقر و تبعیضات گوناگون در آمریکا و بالطبع سایر کشورهای جهان. ناامیدی از تغییرات بنیادی به نفع توده های زحمتکش، اوضاع وخیم اقتصادی، بیکاری میلیونی و رواج نژاد پرستی عربیان از یکسو و سیاست داخلی و خارجی دولت دست راستی ترامپ از سوی دیگر مزید بر علت بودند تا توده های محروم با اعتراضات گسترده خود و دادن شعارهایی نظیر "سیاهی پوست من جرم نیست" و یا "تاعدالت در دنیا برقرار نباشد آرامش نیست" در واقع حرف دل میلیارها انسان را در جهان فریاد زنند و کابوس بودن ماهیت "رونیای آمریکائی" را به جهانیان نشان دهند. ادامه در صفحه ۸

چرا رهبران جمهوری اسلامی

ابتدا از خیزشهای توده ای

در آمریکا " دفاع " کردند و بعد

فتیله آنرا پائین کشیدند

ضرب لمثلی است که میگوید "از این ستون به آن ستون فرجیست" یا بقول همدانیها "تغاری بشکند ماستش بریزد - جهان گردد یکام کاسه لیسان"

تظاهرات اعتراضی توده های مردم زحمتکش آمریکا علیه نژادپرستی و بی عدالتی و برخورد سرکوبگرانه هیئت حاکمه این کشور با اعتراضات مردمی ، برای کاسه لیسان و فرصت طلبان و چشم انتظاران ایران نعمتی بود تا اعمال جنایت کارانه خود را توجیه کنند.

موضع گیری عوامفریبانه رهبران جمهوری اسلامی در برخورد به حرکت های اعتراضی ضد نژادپرستی و عدالت خواهانه توده های مردم در آمریکا هم حکایت همان فرصت طلبان و کاسه لیسانی است که فکر میکنند از این ستون به آن ستون فرجی است و همواره منتظرند تا طغاری بشکند و ماستی بریزد... تا بنحو بیشرمانه ای از فرصت پیش آمده برای فرار بجلو و عدم پاسخگویی به اعمال و مسئولیتهای خود، شانه خالی بکنند.

ادامه در صفحه ۲

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در محکومیت حملات هوایی و زمینی رژیم های ترکیه و ایران به

مناطق از کردستان عراق

صفحه ۱۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

چرا رهبران جمهوری اسلامی ابتدا از خیزش‌های توده‌ای

در آمریکا "دفاع" کردند و بعد فتیله آنرا پائین کشیدند

یدی شیوانی

رهبران جمهوری اسلامی و دروغ بافی‌ها و عوام‌فریبی‌های آنها خیلی زود رنگ باخت و بدستور رهبری فتیله آن پائین کشیده شد.

اما چرا این پروپاگاندای دروغین ادامه نیافت؟

علت پروپاگاندای اولیه را گفتیم و اما توقف ناگهانی این تبلیغات و توجیهات "حقوق بشری" نشان از آن دارد که رهبران رژیم خیلی زود متوجه شده‌اند که این بار از این ستون به آن ستون نه تنها فرجی نیست، بلکه ادعای دفاع از حقوق شهروندان آمریکائی و حمایت از تظاهرات و مطالبات آنها و خواستار رعایت حقوق بشر شدن در آمریکا، برای رژیمی که بمنظور سرکوب خیزش‌های احتمالی شمشیر را از روبسته است و تمام نیروی سرکوبگر خود را بسیج نموده است، هزینه‌های بسیاری دربر خواهد داشت و با ادامه این ادعاهای عوام‌فریبانه و پوچ، سرکوب خیزش‌های احتمالی آینده آسان نخواهد بود.

رهبران رژیم میدانند که علاوه بر خشم و فروخته مردم بویژه بعد از سرکوب و کشتار آبان‌ماه که همچون آتشی زیرخاکستر مترصد جرقه‌ای است تا بار دیگر شعله ور شود، پی آمدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شیوع وسیع ویروس کرونا نیز بر نگرانی رژیم از احتمال شورش‌های عمومی افزوده است. آنها هراسان از نتایج قرنطینه و محدودیت‌های اقتصادی که در شرایط بحرانی کنونی میتواند

و البته این لیست سیاه جنایتکاران و ناقضین ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی در ایران که سعی کردند و میکنند از این فرصت استفاده کرده و جنایتکاریهای خود را توجیه کنند، طولانی است. این فرصت طلبان در این پروپاگاندای نخ نما، با پروئی تمام آنچنان از حقوق بشر و آزادیهای مدنی و عدالت اجتماعی "دفاع" کردند که گوئی همینها نبوده و نیستند که چهل سال است دستور کشتار و سرکوب میدهند و هر صدای آزادیخواه و مخالفی را در گلو خفه میکنند. آزادی‌تحرز، تشکل و تظاهرات و غیره را ممنوع و مستوجب شکنجه و زندان و اعدام میدانند؟! ازمی بیشرمی.

رهبران جمهوری اسلامی در حالی برای مردم آمریکا دل میسوزانند و از حقوق بشر و حقوق شهروندی آنها "دفاع" میکنند که علاوه بر کارنامه مملو از سرکوب و کشتار و اعدام مخالفین خود، بعد از هشت ماه کشتار مردم معترض و تظاهرکننده در آبان 98 هنوز حاضر نیستند رسماً اعلام کنند که در سرکوب ددمنشانه تظاهرات مردم، چه تعداد کشته و مجروح و چند نفر دستگیر و یا مفقود الاثرشان کرده‌اند.

اما وضعیت جمهوری اسلامی و کارنامه رهبران آن سیاه تر از آن است که با این توجیهات و فرار به جلوه‌های پی در پی از پیامدهای بیش از چهل سال ستم و استثمار و دزدی و غارتگری و کشتار و سرکوب در امان بمانند. بی جهت نبود که ادعاهای

ادامه متن از صفحه نخست ... با شروع اعتراضات و تجمعات و تظاهرات ضد نژادپرستی در آمریکا که به سرعت از مطالبات اولیه فراتر رفته و به تظاهراتی سراسری علیه ستم و تبعیض نژادی، طبقاتی، جنسیتی، فقر و بیکاری و بیخانمانی و بی پناهی در برابر پدیده ویروس کرونا، ارتقاء یافت، رهبر بصیر در فرصت طلبی و بی شرمی و سرکوبگری جمهوری اسلامی، موقعیت را مغتنم دید و فوراً سعی کرد با محکوم کردن اقدامات پلیس آمریکا و "دفاع" از مطالبات تظاهرکنندگان، از آب گل آلود ماهی گرفته و خود را مدافع آزادی و عدالت جلوه دهد. علاوه بر آن، ابراهیم رئیسی عضو سه نفره هیئت قتل عام زندانیان سیاسی در دهه 60، معروف به آیت الله قتلعام، به تاسی از رهبر جنایت کار خود پا بجلو گذاشت و خواهان "محاکمه آمریکا به دلیل نقض حقوق بشر شد! و متعاقب آن روحانی وارد میدان شده و به حمایت از تظاهرات مردم آمریکا برخاست! سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی نیز برای اینکه از قافله عقب نماند اعلام کرد "اتفاقات اخیر آمریکا اوج بی عدالتی، ظلم و تبعیض علیه مردم یک کشور" است و مدعی شد که جمهوری اسلامی ایران نمی تواند "به عنوان یک نظام مستقل و عدالت خواه صدای معترضان را نشنود و شاهد تضییع حقوق مردمی باشد که سالیان سال در این کشور تحت ستم قرار دارند!"

سرنوشت مطالبات کارگران هفت تپه ...

خ- عمو اوغلی

اسدببگی نمی پردازند که از هم پاشاندن اعتراض کارگران را با انتشار خبر دروغ تعطیلی هفت تپه هدف می گیرند.. عدالت خواهان ریاکار و رسانه های آنان بدانند که کارگران هفت تپه از بدو اعتراضات شان تا امروز با همه تاکتیک های آنان روبرو شده و ترفندهای آنان را خنثی کرده اند اما از مطالبه گری دست برنداشته اند"

کارگران اعتصابی هفت تپه علاوه برخواستهای همچون "دریافت کامل دستمزد های پرداخت نشده فروردین و اردیبهشت ماه، تمدید دفترچه های تامین اجتماعی و درمانی، دائمی کردن قرار داد کارگران نی بر و استخدام آنان، پرداخت حق سختی کار ۱۵۰ کارگری که از اسفند ماه بازنشسته شده اند و در راس همه لغو خصوصی سازی و پایان دادن به بساط چپاول و یکه تازی آن" خواستار بازگشت به کار رهبران محبوب خود اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، ایمان اختری و سالار بیژنی و دیگران هستند.

این بار اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه برای رسیدن به مطالبات شان در شرایط حساسی آغاز شده است و در صورت پایداری و اتحاد همه کارگران میتواند به موفقیت بیانجامد و مانع از فریبکاری رژیم و ایجاد دودستگی و سرکوب آنها بشود. اما کارگران پیشرو و رهبران عملی این مجتمع که از مبارزات طولانی گذشته درسها آموخته اند، باید در جریان این مبارزان به ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی کارگران و روشن کردن علت العلل واقعی ادبار آنها یاری رسانند و علاوه برخواست های مطروحه، خواست بیمه های اجتماعی و حقوق بیکاری همه شمول را که میتواند نیروی وسیع کارگران شاغل و بیکار را نیز متحد کند، تاکید ورزند. این واقعیتی است روشن که کارگران در جریان تحولات اقتصادی و تغییرات مالکیتی و ساختاری در صنایع و مراکز تولید، با سیاست تعدیل نیروی کار مواجه خواهند بود و علاوه بر مبارزه مداوم با این پدیده از طریق داشتن بیمه های تامین اجتماعی و حقوق بیکاری



حقوقهای معوقه کارگران و کارکنان، این و مهارا در صنایع ساختمان و برجسازی و تجارت و بورس بازی به مصرف میرسانند و از این طریق سودهای نجومی بدست میاورند. مجتمع نیشکر هفت تپه نیز همین سرنوشت را پیدا کرد. در اینجا مبارزات متحد کارگران و انعکاس گسترده افشاگریهای آنها در جریان اعتصابات و تظاهرات خیابانی رژیم را به عقب نشینیهای وادار کرد و بعلاوه مبارزات کارگران تضادهای درونی باندهای مافیائی رژیم را نیز تشدید کرد و با عوض شدن رئیس قوه قضائیه و نشستن رئیسی بر صندلی ریاست این قوه که خود از سرکوبگران معروف به آیت الله قتلعام و سالها معاون این قوه بوده اوضاع کمی تغییر کرد. وی با شعار عوامفریبانه "مبارزه با فساد" و عدالت خواهی دروغین محاکمه مدیران شرکت نیشکر هفت تپه را در دستور گذاشت. و در حالی پز فساد ستیزی و عدالت خواهی را گرفت که هنوز مطالبات کارگران عملی نشده است و از این رو کارگران بار دیگر با طرح مطالبات خود دست به اعتصاب زده اند.

در پی عدم تحقق مطالبات کارگران و اعتصاب کارگران تمام بخش هفت تپه و تجمع آنها در مقابل دفتر مدیریت، سندیکای این شرکت نیز با صدور بیانیه ای اعلام کرد که خواست های کارگران "روشنگر چهره دروغ پردازان و مدعیان ریاکار عدالت خواهی است که از یک سو دادگاه محاکمه اسدببگی و فساد مالی مالکان تحمیلی هفت تپه را به راه می اندازند و همزمان فریاد گرسنگی کارگران هفت تپه را که در این شرایط فقر و فلاکت سه ماه است مزدشان را نگرفته اند، نه تنها با مصادره گوشه ای از دارایی های غارت شده آنان از سوی

ادامه از صفحه اول
... در مقابل حاکمیت کارگرسستیز دست در دست رانت خواران و اختلاس گران با سرکوب و زندان و شکنجه کارگران و دادن وعده وعید های پوچ تلاش کردند تا این اعتصابات را ولو موقتی فروبشانند. اما از پیش روشن بود که دولت و سرمایه داران در اجرای تصمیمات خود کوتاه نخواهند آمد و تمام سرکوبگریها و وعده وعید ها تنها خریدن زمان و جلوگیری از گسترش و رادیکالیزه شدن مبارزات کارگران هفت تپه طراحی شده است. این نیز واقعیت انکارناپذیری است که در شرایط کنونی و آگذاری موسسات دولتی به بخش خصوصی قانونی بی بازگشت در نظام سرمایه داری ایران محسوب میشود و برغم افت و خیزها و عقب نشینیها در نهایت این سیاست اقتصادی بمورد اجرا گذاشته خواهد شد و در نتیجه تعدیل نیروی انسانی یعنی اخراج های دسته جمعی و یا نپرداختن حقوق دستمزدها و خسته کردن و ناامید کردن کارگران یکی دیگر از ترفندهائی است که کارفرماها در تئوری با دولت در دستور روز دارند.

اما مسئله دیگر در این واگذاریها که به معضلی لاینحل تبدیل شده است، فساد ساختاری در نظام سرمایه داری ایران است. باند بازی ها و رانت خواریهائی است که بر زمینه فساد ارگانهای حاکمیتی این خصوصی سازی هارا از وضعیت نرمال آن، چنانکه در کشورهای دیگر انجام میگردد، خارج ساخته و سرمایه داران با تصاحب مفت این مجتمع های دولتی، به بهانه بازسازی، مدرنیزاسیون و پرداخت حقوقهای معوقه و اشتغالزائی و غیره وام های کلانی را اخذ میکنند. و در عمل بجای نوسازی و تجهیز کارخانه و پرداخت

سرنوشت مطالبات کارگران

هفت تپه ...

کافی باید زندگی دوران بیکاری خود را تضمین کنند و علاوه بر آن کشورما در شرایط حساسی قرار دارد و تحقق کار، مسکن، آزادی و سایر مطالبات کارگری تنها با سرنوشتی انقلابی نظام سرمایه داری متحقق خواهد شد و از این رودر جریان مبارزات اقتصادی روزمره و در تقابل با سرمایه داران و دولت کارگران پشرو می‌توانند با طرح شعارهای عمومی تر پشتیبانی طیف وسیعتری از کارگران، بیکاران و دیگر اقشار زحمتکش و ستم دیده جامعه از مبارزات خود را جلب کنند و هژمونی خود را بر جنبشهای اجتماعی موجود تامین نمایند. تجربه ثابت کرده است که سرنوشت مبارزات کارگران هفت تپه در اعتراضات و اعتراضات و تجمعات و تظاهرات خیابانی تعیین میشود و نه در سازش و ماماشات با سرمایه داران و دولت.

همانطوریکه سندیکای شرکت واحد در بیانیه اخیر خود اعلام کرده است که "پیروزی کارگران هفت تپه به حمایت همه جانبه و همبستگی گسترده همه حامیان آزادی و عدالت اجتماعی نیاز دارد" ضروریست که همه جنبشهای اجتماعی انقلابی و آزادیخواه این فراخوان و ایده درست سندیکای کارگران شرکت واحد را بکار ببندند تا باتفاق هم با محوریت جنبش کارگری این ایده را در تلاش برای سازماندهی جبهه ای انقلابی برای سرنوشتی نظام حاکم و استقرار سیستم اقتصادی و سیاسی نوین مبتنی بر شورا به مادیت بخشیم بدون تردید طبقه کارگر در راستای مبارزه برای رسیدن به هدف نهائی خود بمثابه نیروی هژمون جبهه انقلابی حامل تمام خواستههای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی توده های تحت ستم و استثمار و تبعیض و نابرابری در نظام سرمایه داری منحن ایران نیز هست. باید با تمام قوا و امکانات از آن پشتیبانی نمود و به فراخوان آنها پاسخ مثبت داد.

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست علیه شلاق سرمایه. علیه نمایش حمایت از کارگر

جمهوری اسلامی حکم قرون وسطایی شلاق را مرتباً برای کارگران صادر میکند و در روزهای اخیر حکم ۷۴ ضربه شلاق برای رسول طالب مقدم کارگر زحمتکش عضو سندیکای واحد تهران را در اوین اجرا کرد. همزمان قوه قضائیه رژیم که بیشترین احکامش علیه کارگران و آزادیخواهان بوده است، تلاش دارد چهره مدافع کارگر بگیرد و اینجا و آنجا وعده ای میدهد، توهمی می پراکند و غارتگران فاسدی چون اسد بیگی و شرکاء را بشکل فرمال محاکمه میکند. چه کسی نمیداند که رژیم اسلامی از ظرفیت اعتراض توده ای کارگران علیه فقر و فلاکت وحشت کرده است و این سیاستهای ظاهراً متناقض و اکنش به این دستپاچگی است. چه کسی نمیداند علیرغم اینکه جمهوری اسلامی کارگران را وادار کرد که تحت پاندمی کرونا کار کنند، عملاً سیاست کشتار جمعی در پیش گرفت، هر روز اعتراض و اعتصاب کارگری در جریان است. نبض آبانما در جامعه میزند و بسرعت موج دوم آن خود را دیکته میکند. وحشت جمهوری اسلامی از این واقعیت است و هر روز از زبان عناصر آن تکرار میشود.

تنها در یکماه گذشته از جمله؛ ما شاهد اعتراض کارگران خدمات شهرداری شاهین شهر، کارگران مناطق ۴ و ۵ و ۶ شهرداری اهواز، کارگران مجتمع کشت و صنعت هفت تپه، کارگران واحد آب، برق و تهویه بندر خمینی، کارگران معادن کرمان، کارگران شرکت معدن کاری امین یار، کارگران کارخانه سیمان لامرد، کارگران بخش خدمات بندر خمینی، کارگران شرکت توریستی همدان و همچنین شاهد اعتراض پرستاران در گیلان و ماهشهر و تهران، دستفروشان شهرستان سیمرغ در استان مازندران، معلمان نهضت سواد آموزی گرگان، اعتراض ساکنان مسکن مهر بردسکن، اعتراض اهالی روستای نصرآباد، تیراندازی مامورن امنیتی رژیم به سمت مردم معترض منطقه "غیزانیه" خواهان آب آشامیدنی و کارگران شهرداری اهواز بودیم. اعتراضاتی که بنا به موقعیت فلاکتبار اقتصادی و سیاستهای حکومت برای بی

کارسازی و خصوصی سازی، بدون تردید ادامه خواهند داشت و گسترش می یابد. ترفندهای رژیم در مقابل این اعتراضات مدام به ضد خویش تبدیل میشوند. اجرای حکم شلاق در مورد کارگران معترض، تلاش حکومت برای زدن ماسک "عدالت" به چهره خویش و خونریزترین مهره هایش امثال رئیسی را نقش بر آب میکند. آنچه در باره کارگران هفت تپه "بخشودگی" نامیده میشود از زاویه کارگران اعتراف رژیم به جنایتی است که در حق آنان روا شده و به اشکال مختلف ادامه دارد. آنها باید خواستار محاکمه کسانی باشند که نمایندگانشان را به جرم دفاع از مطالبات کارگران و افشای فساد سرمایه داران زندانی و شکنجه کرده اند. این در حالی است که سرنوشت بقیه مدافعین کارگران هفت تپه و زندانیان سیاسی زندان و شکنجه است و چرخ حاکمیت اسلامی با شکنجه و زندان و اعدام میگردد. نمی توان چهل سال با سرنیزه از منفعت سرمایه دفاع کرد و میلیونها انسان را با ارباب و شکنجه و زندان وادار به سکوت کرد و حالا از "دلسوزی برای عدالت و کارگر" سخن گفت! آنهم خطاب به میلیون ها بیکار و حاشیه نشین و محروم در کشوری که حداقل دستمزد کفاف حتی چند روز زنده ماندن خانوار کارگری را نمیدهد. مردمانی که حتی حق دفاع از خود و دیگران را ندارند و به این "جرائم" زندانی شده اند. دورانی که میشد پرچم مبارزات مردم کارگر و زحمتکش را مصادره کرد سپری شده است. رای جنبش کارگری و انقلابی سرنوشتی جمهوری اسلامی و پایان دادن به حاکمیت سرمایه داری است. کارگران برآنند تا این ماشین سرکوب را درهم بکوبند و بر ویرانه های آن جامعه نوین و نظم شورائی کارگری را برپا دارند. اینست معنا و اهداف خیزش های مجدد اعتراضی کارگران. طوفان تازه آغاز شده است، نه زندان نه شکنجه نه گلوله دیگر اثر ندارد!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۱۴ خرداد ۱۳۹۹ - ۳ ژوئن ۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

فرهنگ ناموس و غیرت در اسلام

نوشین شفاهی



بضرب زور یاد میدهند که صدایی نخواهند داشت و بدون مردان خانواده قابل شمارش نخواهند بود، طبیعتاً شرایط برای تجاوز، اغفال، جرم و جنایت علیه زنان و کودکان دختر بر راحتی مهیا میشود و قابل انتظار است که امثال رومینا برای فرار از یک قربانگاه به قربانگاه دیگری پناه ببرد.

صدا و سیمای رژیم کسانی که رژیم را مسبب و عامل اصلی این قتل وحشیانه اعلام کردند، ضدانقلاب و فرصت طلب خواند و وقیحانه به تایید کاربران خودی اش پرداخت که دلایلی همچون ولنگاری فکری، تفکر آزادی روابط، و ترویج فرهنگ هرزگی توسط سلبریتی ها در فضای مجازی، را زمینه ساز این جنایت هولناک قلمداد کرده اند. گوینده صدا و سیمای رژیم برای بیربطی این جنایت به فرهنگ حاکم و رژیم اسلامی به قتل زنانی که در کشورهای غربی توسط همسران و یا افراد فامیل اتفاق میافتد اشاره کرده و مدعیست که این اتفاق منحصر به ایران نبوده و در هر نقطه ای از جهان حتی غرب میتواند پیش بیاید. چیزی که مودیان به آن اشاره نمی کند این است که در هیچ کشور غربی ای کودک- همسری آزاد نبوده که جرم است و بهمن خاوری نه دوست پسر یا کاندید ازدواج بلکه یک اغفالگر و متجاوز محسوب میشود و اگر در هر کشور غربی ای مردی بالغ حتی در صد اغوای کودکان اقدامی میکرد، چه موفق و چه بی نتیجه، صد در صد تحت پیگرد قانونی قرار میگرفت. از طرف دیگر در کشورهای غربی به اندازه کافی خانه

ادامه از صفحه نخست

قانون شریعه و ماهیت مذهب اسلام است که در خدمت احیاء فرهنگ ناموس، غیرت و تعصب در جامعه نهادینه گشته و با هدف بی ارزش کردن و بیحقوقی زنان و کودکان، زن ستیزی و کودک آزاری را به یک هنجار اجتماعی تبدیل میکند. رژیم اسلامی ایران و بقیه مناطق اسلامزده و جوامعی که تحت آموزه ها و قانونمندیهای شریعت اسلام اداره میشوند تابلوی تمام نمای این بیحقوقی هستند. بدنبال واکنش افکار عمومی و خشم و نفرت مردم از این جنایت وحشیانه، صدا و سیمای رژیم و دیگر بلندگوهای خودشان را به هر توجیهی متمسک کرده که ابراز انزجار عمومی از رژیم را بی اعتبار کنند. بسیاری از کاربران سوشیال میدیا بدرستی انگشت اتهام را نه فقط بسوی پدر و کودک رُبا، بلکه بطرف رژیم اسلامی و قوانین واپسگرا و زن ستیزش دراز کردند و تمام دم و دستگاه رژیم از قضایی-حقوقی گرفته تا لاشخورهایی که در پایه های پایین این سیستم در حفظ و بقای این ناموس پرستی نقش داشته اند را مسئول قتل ددمنشانه رومینا اعلام کردند. در چنین جامعه ای که چندین نسل است که به زنان و کودکان

... سرنوشت رومینا سرنوشت هزاران کودکی است که تمامی شرارت یک فرهنگ کودک-آزار و ضد زن را یکجا به نمایش میگذارد. از پدر، عمو، و اغفالگرش گرفته تا دم و دستگاه دادستانی، میدیا و دولت همه بنوبه خودشان در روند این جنایت شنیع و لاپوشانی آن نقش داشته اند. توجیه و تفسیر عوامل دولت این است که این اتفاق در چهاردیواری خصوصی یک خانواده اتفاق افتاده است بنابراین نهادهای قانونی فرصتی برای اعمال اقدام بموقع و موثر نداشته اند ولی حجم بسیار زیاد این جنایات بدست عوامل رژیم و یا تسهیل شرایط آدمکشی برای مردان خانواده جایی برای فریبکاری و منحرف کردن اذهان عمومی نمیگذارد. سکسیسم با تمام مظاهر ریز و درشتش در خانه و خیابان، و مثله شدن اگر بدست آدمکشان رژیم نباشد بدست مینیون های این فرهنگ " اسیدپاشی و ذبح اسلامی" برای زنان و دختران ایران واقعیتی دهشتبار و غیر قابل انکار است.

خسونت بطور کلی و خسونت علیه زنان و کودکان بطور اخص از اجزاء لاینفک

فرهنگ ناموس و غیرت در اسلام

تعرضات وحشیانه نیروهای چماقدارشان در طول این چهل و یک سال زمامداریش را با چه توجیهی می‌خواهد کتمان کند؟ آمار این جنایات بسیار است و از آنجا که این قتل‌های ناموسی بموازات جنایات رسمی و سیستماتیک رژیم علیه زنان اتفاق می‌افتد و از حمایت قوانین قضایی و کیفری برخوردار است تعداد واقعی آن در دسترس قرار نخواهد گرفت چرا که پرونده بسیاری از این قتل‌ها، به اسم خودکشی بسته و مخفی خواهد ماند.

ناموس پرستی فقط یکی از دهها مظاهر ستم جنسیتی بر زنان است و تا سیستم سرمایه‌داری وجود دارد و از بهترین کاتالیزوری مثل مذهب در حفظ و احیای این ستم استفاده میکند، زنان و کودکان دختر همواره در خطر مرگ و آزار جنسی قرار خواهند گرفت. فرهنگ ناموس پرستی با ویژگی‌هایی همچون فروتنی، اطاعت، و بکارت‌گره خورده است که تماماً در مذهب بخصوص در اسلام فضیلت قلمداد میشوند. زنان از آنجا که در این فرهنگ مردسالارانه در تملک مردان بشمار می‌روند، امر حفاظت از این فضائل با حمایت قانون و سنت مذهبی را همین مردان بعهده می‌گیرند. همانقدر سیستم سرمایه‌داری به مذهب برای تحمیق و تخدیر توده‌ها و ازلی نشان دادن نابرابری جنسیتی نیاز دارد همانقدر هم مذهب برای حفظ موجودیتش به بقاء این تفوق جنسیتی مردان بر زنان نیازمند است. این قاعده تنها منحصر به اسلام نیست بلکه در مذاهب دیگر نیز زنان را منشاء گناه و فساد در جامعه معرفی کرده اند، ولی با اینحال موقعیت زنان و

رومینا مثل هزاران دختر دیگر یا باید به پیشنهاد پدر خودش را با مرگ موش میکشت و یا بدست ناموس پرستی چون پدر و یا عمو قربانی میشد. در هر کشور غربی، تهدید به مرگ و یا تشویق به خودکشی جرم سنگینی است در حالیکه در رژیم آدامگش اسلامی با اینکه تمام شواهد دال بر یک جنایت در حال پروسه در دسترس بوده ولی طبق معمول نه تنها اقدامی برای حفظ جان رومینا نمیشود بلکه کت بسته او را به قاتلینش تحویل میدهند. ابراز تأثر و همدردی سخنگویان رژیم از این جنایت، از روحانی و دادستای گیلان گرفته تا فرهنگ سازان فرودستی زن در صدا و سیمای ایران، هم بسیار رقت انگیز و ساختگی بود. رژیم حتی اگر قادر باشد دست خودش را از این جنایت چندان آور با توجیه خصوصی و خانوادگی نامیدن آن بشورد، دهها هزار قتل، خودکشی، اسید پاشی، و حمله‌های خیابانی و دیگر

های امن وجود دارد که از زنان و دختران، قبل از آنکه بدام مرد متجاوز دیگری بیافتند، حمایت کرده و به آنان پناه میدهند در حالیکه رژیم اسلامی ایران فرهنگ خشونت را تا آنجا نرمالیزه کرده که زنان و کودکان بویژه در اقلشار تحتانی جامعه حتی زمانی که به آنان رسماً و علناً تعرض میشود از آنجا که راهکارهای بهتری پیش روی خود نمی‌بینند، یا اجباراً به آن شرایط تن میهند و یا خود را در شرایط مشابه خشونت آمیز دیگری قرار میدهند. رومینا برای فرار از خشونت پدر به مرد دیگری اعتماد میکند و این مرد تحت قوانین اسلامی نه تنها مجرم محسوب نمیشود بلکه با تاسی به هزاران حدیث و آیه در توجیه سوء استفاده جنسی از یک کودک 13 ساله، او را روانه خانه اش می‌کنند. تمام ادبیات و آموزه‌های فرهنگ اسلامی پُر است از ترویج و تشویق اینگونه مناسبات و روابط آزار جنسی در ایران.

نشریه راه سرخ ارگان فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست. راه سرخ صدای کارگران و زحمتکشان و تمامی کسانی است که به مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نفی هرگونه استثمار و کارمزدی باور داشته و در این راه از هیچ چیز دریغ نمی‌نمایند. از طریق ایمیل ادرس زیر نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با دست اندرکاران نشریه در میان بگذارید.

Tehran@fedayi.org

فرهنگ ناموس و غیرت در اسلام

کودکان دختر در ممالک اسلامزده در شرایط حاد و خطرناکی قرار دارد. در این کشورها تمام نهادهای فرهنگی، حقوقی، و قضایی در خدمت نهادینه شدن نقض آشکار و عریان حقوق زنان طراحی و برنامه ریزی شده و امر نرمالیزه کردن تبعیض جنسیتی یکی از اهداف محوری قدرت حاکمه بشمار می آید که بنوبه خود قتل‌های ناموسی را امکانپذیر و تقویت میکند. اسلام در هر کشور و منطقه ای که فرصت قدرتگیری در ارکان اجتماع را داشته است، خشونت و تبعیض جنسیتی تضعیف شده و به حاشیه رانده شده را هم، در فرهنگ، رفتار و سنن کشور میزبان بشدت تقویت و بازسازی کرده و مورد حمایت قرار داده است. در حالیکه در کشورهای غربی این خشونت ها از طریق نهادهای قانونی و هنجارهای اجتماعی بشدت طرد و کنترل شده است. طبعا سرمایه داری تا آنجا که بنبفعلش باشد در مورد وجود اعمال خشونت بر زنان، خودش را به نادانی هم خواهد زد ولی اهرمهای فشار از طرف جنبشها و نهادهای توده ای، قدرت یکه تازی و لجام گسیختگی را از این مناسبات این چنینی گرفته است و گرنه چه کسی هست که خشونتهای خانگی و عمومی جهان غرب را ندیده بگیرد و یا مثلاً خاطره رختشور خانه های مگدالین ایرلند، که تا سالهای 95- 96 میلادی همچنان ادامه داشت، را فراموش کرده باشد. جایی که زنان و کودکان بسیاری به بردگی جسمی و

جنسی کشیده شدند و در عین حال بیشتر اوقات روز را هم برای کلیسا بیگاری کرده و بعضا کشته و در گورهای جمعی دفن گشتند. غرب هم تاریخ زن ستیزی خودش را دارد ولی جنبشها و دستاوردهای قوی اش هم حضور دارند که به بیحقوقی زنان به این درجه وحشیانه که در کشورهای اسلامزده در جریان است، هرگز اجازه ندهند که به یک نرم اجتماعی تبدیل شده و از بردگی زنان و کودکان پرچم فضیلت‌های اخلاقی برافراشته کنند. بالعکس در ایران اسلامی، حقوق، آزادی و اختیارات اجتماعی زنان و کودکان بر مبنای پرنسیپهای اخلاقی قانون شریعه بنا گشته است و بهمان اعتبار هم هر اقدامی جهت اعمال اراده شخصی در هر شئون خصوصی-اجتماعی برای زنان موضوع گداهای کیفری و جنایی قرار میگیرد. بنابر همین واقعیت، هر زمان هر قتل ناموسی، هر خود سوزی و خودکشی زن یا کودکی، و هر حمله و هجوم دولتی و آتش به اختیاری که در ایران و امثال ایران اتفاق می افتد مجرم اصلی و درجه اول آن رژیم جنایتکار اسلامی و آموزه های سکسیستی فرهنگ اسلامی است و اگر امیدی برای پایان دادن این جنایات هولناک وجود داشته باشد اولین قدم آن بزیر کشیدن این رژیم ضد انسانی اسلامی است.

نوشین شفاهی

30 می 2020

ایران کشوریست کثیر المله و طبقه کارگر و زحمتکشان ملیتهای مختلف مشترکاً در زنجیر اسارت سرمایه داری و ارتجاع حاکم بر سرنوشتشان بسر می برند و دارای خواستههای طبقاتی مشترکی هستند و بر علیه نظام اقتصادی اجتماعی و سیاسی حاکم مبارزه می کنند. در نتیجه سیاست طبقات ارتجاعی حاکم بر این ملیتها، کارگران و زحمتکشان، یعنی اکثریت محروم مردم در چهار گوشه ایران علاوه بر تحمل استثمار و بی حقوقی، از ستم ملی و فرهنگی نیز رنج میبرند و برای رفع آن مبارزه میکنند.

مذهب

بعلاوه مذهب بعنوان یکی از پایه های اعتقادی مردم ایران در طول سالیان متمادی، در اسارت و مبارزه این ملت‌ها نقش بازی کرده و از ویژگیهای مهم ساختار اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، اشکال و مراحل تکامل جامعه ایران محسوب می گردد. اقشار و طبقات حاکم در گذشته و سرمایه داری مدرن ایران در دهه های اخیر، همیشه از مذهب، گونه گونی فرهنگها، ملیتها و آداب و رسوم و نیز ناسیونالیسم و شونیسیم به نفع خود و برای مشروعیت دادن به تمرکز قدرت، استبداد، دیکتاتوری، فریب و تشدید ستم و استثمار و سرکوب، جنبش طبقه کارگر و اکثریت محروم جامعه استفاده کرده اند و تجربه بیست سال حکومت مذهبی، جدانی مذهب از دولت را به یکی از خواست های مبرم مردم تبدیل کرده است.

از برنامه جمهوری فدراتیو شورائی

ایران

اعتراضات اجتماعی در آمریکا و سایر کشورهای جهان اعتراضی است بر علیه تبعیضات نژادی، جنسیتی و طبقاتی..

چرا رهبران جمهوری اسلامی ابتدا از خیزشهای توده ای در آمریکا " دفاع " کردند و بعد فتنه آنها پائین کشیدند

ادامه از صفحه دو ...

به واکنش های اجتماعی غیرقابل کنترل منجر شده و به حوادثی غیرقابل انتظار بیانجامد ، به این صرافت افتادند که دست زدن به عوامفریبی و فرصت طلبی و توسل جستن به تاکتیک دفاع از حقوق تظاهرکنندگان در آمریکا و محکومیت دولت آمریکا در نقض حقوق بشر، توجیه مناسبی برای سرپوش نهادن به اعمال جنایتکارانه و سرکوبگرانه در مواجهه با مطالبات و اعتراضات اجتماعی در ایران نبوده و راه خطا پیموده اند و اینک از یکطرف شاهد فروکش کردن ادعاهای عوامفریبانه اولیه رهبران رژیم در دفاع از جنبش اجتماعی در آمریکا میباشیم و از طرف دیگر شاهد تشدید سرکوب و شلاق زدن کارگران معترض و اعدام زندانیان سیاسی و بسته ترشدن فضای سیاسی در سران کشور هستیم .

اما رژیم جمهوری اسلامی و رهبران سرکوبگر آن باز هم راه خطا میروند. آنها با تشدید سرکوب نمیتوانند طبقه کارگر و توده های تحت ستم و استثمار و میلیونها انسان جان بلب رسیده را از تلاش و مبارزه برای رهایی از نکتب نظام حاکم بازدارند.



میکنند که خود هرصدای معترضی را در گلو خفه میکنند و هنوز خون صد هانفر از توده های مردم معترض در آبان 98 در سنگفرش خیابانها باقی است. ماه ها از کشتار معترضین در آبانماه 98 میگذرد، آنها حتی حاضر نیستند آمار جانباخته ها را اعلام بکنند و از هزاران نفری که دستگیر شده و یا در زندانها سربه نیست شده اند، هیچگونه خبری در دست نیست. دستان اینها بیشتر از آن به خون توده های مردم آغشته است که بتوانند از وقایع اخیر در آمریکا سوء استفاده کرده و خود را "ضد امپریالیست" و "آزادخواه" و "مدافع حقوق مردم جابزنند. مبارزه علیه تبعیضات نژادی، جنسی و طبقاتی هر جای دنیا که راه افتاده باشد، مبارزه علیه رژیمهایی نظیر جمهوری اسلامی نیز هست.

توده های زحمتکش ، انسانیهای آزادیخواه ایران و ایرانیان تبعیدی و مقیم خارج کشور مبارزه علیه تبعیضات نژادی ، جنسیتی و ملی و طبقاتی و مبارزه علیه نابودی محیط زیست، یک مبارزه جهانی است. با شرکت در این مبارزات سهم خود را در ایجاد تغییرات بنیادی در جهان کنونی ادا کنیم. پیروزی اتحاد مبارزاتی کارگران ، زحمتکشان و همه نیروهای انقلابی در سرتاسر جهان بر علیه زور و سرکوب، بی عدالتی، تبعیض نژادی، ملی، جنسی و طبقاتی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

پانزدهم خرداد 99

ادامه از صفحه نخست
امپریالیسم آمریکا موجد بسیاری از جنگها و عامل و مشوق سرکوبهای جنبشهای اجتماعی و به سرکار آوردن حکومت های دست نشانده و حمایت از آنها در سرتاسر جهان است. اقداماتی که خود منبعت از سیاست داخلی آن در مواجهه با توده های محروم میباشد. تهدیدات آشکار "ترامپ" و گسیل هزاران نیروی گارد ملی به مقابله با تظاهرات و دستگیری هزاران نفر و جانباختن عده ای دیگر از معترضین، بار دیگر ماهیت طبقه حاکم در آمریکا و سیاست های فاجعه بار آنرا نشان داد.

ما ضمن تسلیم به خانواده "فلوید" و سایر جانباختگان تظاهرات اخیر در آمریکا، از همه ایرانیان مبارز و آزادیخواه دعوت میکنیم در کارزارهای مبارزه علیه نژادپرستی و تبعیضات جنسی، ملی و طبقاتی در هر کجای دنیا که هستند، شرکت بکنند.

روشن است که مبارزه علیه امپریالیسم جدا از مبارزه علیه نظامات استثمارگرانه سرمایه داری نیست. بنابراین نباید فریب رژیمهایی را خورد که بدلا بلی از جمله تضاد منافع با آمریکا، برآند تا بر سرکوبها و کشته ها و دستگیرشدگان تظاهرات در شهرهای آمریکا اشک تمساح بریزند و بدینوسیله جنایات خود را عادی جلوه داده به حاشیه برانند. نظیر آنچه که به حکومت نشستگان در ایران میکنند. رهبران جمهوری اسلامی در حالی از اقدامات دولت آمریکا در سرکوب تظاهرات مردم انتقاد

درباره گرویدن کمونیست به غیر کمونیسم



حمید پویا

در اینجا "کمونیسم" بمعنای کمونیسم نسبتاً واقعی با توجه به مرحله معین تاریخی اش و "غیر کمونیسم" بمعنای اشکال مختلف نگرش ها و گرایش های لیبرالیستی یا ناسیونالیستی یا مذهبی با یا بدون نوعی پوشش کمونیستی در آن مرحله تاریخی هست.

این گرویدن بالنسبه سابقه طولانی در 180 سال تاریخ کمونیسم دارد. شاید برجسته ترین نمونه ای که بنحو معینی هر دو ظاهر فوق الذکر را دربردارد عبارتست از تبدیل سوسیال دموکراسی انقلابی با گرایش کمونیستی (که ابتدائاً بویژه در روسیه و آلمان حدوداً از پایان سده 19 تا قبل از جنگ جهانی اول موجودیت داشت) به گرایشی بورژوا رفورمیستی و سرانجام با ظاهری آشکار. میتوان گفت که در آغاز "تئوری ریویزیونیستی" ادوارد برنشتاین (یک باصطلاح تئوریسین سوسیالیست آلمانی حدوداً در اوایل قرن بیستم) این گرویدن و تبدیل را نمایندگی میکرده است. او معتقد بوده که باصطلاح "سوسیالیسم" از طریق "رفورم های تدریجی" (در چارچوب سیستم سرمایه داری) بدست میاید و نه از طریق "انقلاب". و گرایش بورژوا رفورمیستی مذکور در ابتدا پوششی با صرف واژه هایی مارکسیستی داشته و تا حدودی با چنین واژه ها بیان و توجیه میشده است؛ اما بعدها کاملاً شکلی آشکار و محتوایی کامل از بورژوا رفورمیسم در قبال طبقه

کارگر و گروههای تحتانی طبقه متوسط پیدا میکند و غیره.

امروزه در کشورهای جهان بیش از 50 حزب "سوسیال دموکرات"، در واقع نوعی احزاب بورژوایی و خرده بورژوایی، وجود دارد، احزایی بطور نسبی و روبهمرفته با دیدگاهها و گرایشهای بورژوا رفورمیستی در مورد طبقه کارگر و مردم که، خواسته یا ناخواسته، معطوف به حفظ طولانی تر و طولانی تر نظام سرمایه داری است.

اما، برخلاف تئوری ادوارد برنشتاین، نهائی ترین هدف پرولتاریا، بالاترین مرحله تاریخی تکامل انسانهای امروزه عبارتست از کمونیسم. این کمونیسم بمعنای جامعه واحد جهانی کاملاً فاقد هرگونه بالادستی و فرودستی در میان افراد بشر، فاقد هرگونه ستمگری و ستمکشی در زمینه روابط بین انسانها و بین اینان و غیر انسانها یعنی مولفه های طبیعت، فاقد هرگونه نارسائی و کمبود ایجادکننده درد و رنج جسمی یا روحی و یا در موارد معینی مرگ برای افراد بشر، و فاقد... میباشد.

این کمونیسم در مرحله بالایی از تکامل تدریجی بالنسبه پیوسته سوسیالیسم بمعنای راستین حاصل خواهد شد. سوسیالیسم بمثابه ماحصل انقلاب اجتماعی سوسیالیستی شامل سرنگونی حکومت بورژوازی و الغاء مالکیت های بورژوایی و غیره و غیره، استقرار حکومت واقعاً دموکراتیک پرولتاریائی و مالکیت

اجتماعی سوسیالیستی و غیره و غیره بنیان نهاده و آغاز خواهد. انقلاب اجتماعی سوسیالیستی توسط طبقه کارگر دارای اکثریت در میان جمعیت و با سطح بالایی معینی از خودآگاهی طبقاتی یعنی آگاهی برآستی کمونیستی و اجباراً از طریق اقدامات قهرآمیز یا تقریباً صلح آمیز انجام شونده از سوی این طبقه و متحدین اجتماعی اش در یک موقعیت عینی انقلابی علیه بورژوازی و جهت سرنگونی کلیت حاکمیت سرمایه و غیره به سرانجام خواهد رسید. سوسیالیسم در عین حال یک جامعه بالنسبه انسانی، جامعه ای بالنسبه با دموکراسی و برابری و آزادی واقعی و کامل برای افراد بشر هست و در آن انسانها خودشان- نه چیزهایی چون الزامات سرمایه- سرنوشت شان را تعیین مینمایند. بنابراین دیده میشود که کاملاً غیرممکن است که سوسیالیسم (البته بمعنای واقعی) را در چارچوب نظام سرمایه داری، در جامعه تحت حاکمیت سرمایه از طریق انجام باصطلاح رفورمها تحقق بخشید، بلکه قبل از همه لازم است که کلیت این سیستم (البته در سطح معین بالایی از تکامل نیروهای مولده آن) را سرنگون نمود و تفوق و چیرگی (بمفهوم صحیح) پرولتاریای کاملاً آگاه و تشکیل دهنده اکثریت جمعیت را مستقر ساخت.

بدیهی است که انواع مختلف بزرگ یا کوچک دیگر از تبدیل کمونیستها به غیر کمونیست وجود دارد ولی بررسی آنها خارج از امکانات این نوشته است.

اینک من میخواهم ذیلاً بطور اختصار مکانیسم و سازوکار اجتماعی و روانشناختی جریان این گرویدن و پدیداری غیر کمونیسم در جنبش های غیر کمونیستی را بررسی نمایم:

این مطلب را میتوان به دو بخش تقسیم نمود: پدید آمدن تعلق طبقاتی غیرکارگری و بوجود آمدن شیوه تفکر و برخورد غیر علمی در میان کمونیستها و پیشروان کارگری و نیز میتوان گفت در میان توده های طبقه کارگر. این تقسیم بندی صحیح هست زیرا که کمونیسم، جهان بینی یا تئوری کمونیستی بطور خلاصه عبارتست از شیوه نگرش و برخورد طبقاتی کارگری و علمی نسبت به امور گوناگون جامعه و طبیعت بطور اعم و در زمینه تعیین اهداف طبقه کارگر و طرق تحقق آنها بطور اخص. بخش نخست: بر بستر پیچیده جامعه بورژوازی، تمایلات اخلاقی و فکری و علاقه ای ایجاد شونده در داخل جایگاههای طبقاتی بورژوازی یا خرده بورژوازی یا به بیان دیگر منبعث از این جایگاهها ممکن است به طرق و اشکال مختلف به کمونیستها و پیشروان کارگری و کارگران عادی منتقل شده و در آنان نفوذ نمایند و قویاً در اذهان این اشخاص جایگیر شوند. سپس آن خصیصه های بورژوازی یا خرده بورژوازی نفوز یافته در اذهان اشخاص مزبور بویژه افراد متعلق به گروههای اول و دوم ممکن است، تحت شرایط سیاسی یا اجتماعی معینی، بصورت تئوری ها، نظرات، سیاستها، و منتهایی ظاهر شوند که در واقع کمابیش بازتاب و دربردارنده آرمانها، خواست ها و منافع گروههایی از طبقات بورژوازی یا خرده بورژوازی باشند.

نداشتن توانائی های ذهنی کافی از قبیل بردباری، پایداری، هوش، حافظه، شجاعت، سلامت روان، اعصاب قوی، و غیره نیز ممکن است موجب رفتارهای غیر کمونیستی لحظه ای یا موقت از سوی کمونیستها گردد اما معمولاً نگرش ها و

نظرات آنان را به نگرش ها و نظرات غیر کمونیستی مبدل نمیسازد.

بخش دوم: تصورات غیر علمی و خطاهای فکری و نظری ناشی از نقص یا کمبود در توجه و برخورد و بررسی با شیوه واقعاً علمی ممکن است عمیقاً در اذهان اشخاص و افراد مزبور تأثیر گذارده و جایگیر شده و بصورت عادت درآید و در نتیجه به شکل دگمها، عقاید یا دیدگاهها یا تئوری های ناصحیح سخت شده و تغییرناپذیر درآید؛ درحالیکه امکان دارد که قصدها واقعاً خصلت طبقاتی کارگری داشته، از جایگاه طبقاتی کارگران منبعث شده باشد. این پدیده میتواند علل گوناگون تاریخی یا اجتماعی یا سیاسی داشته باشد: فقدان تاریخی تکامل کافی جامعه سرمایه داری یا طبقه کارگر، فقدان تاریخی تجربیات مبارزاتی و اجتماعی و اشکال تجربی شناخت ضروری، فقدان تاریخی کشفیات و دستاوردهای علمی ضروری، وجود قوی بازمانده های متافیزیک و ایده آلیسم و ذهن گرایی در اذهان اشخاص و افراد مزبور، فقدان بلوغ فکری ضروری آنان، اشتباهات و خطاهای کمابیش اجتناب ناپذیر رخ دهنده توسط آنان در عمل، وجود وضعیت ها و فضاها اجتماعی و سیاسی و فکری مساعد برای قبول نظرات و خط مشی های غلط یعنی غیر علمی توسط توده های طبقه کارگر و مردم و غیره و غیره.

در هر مرحله تاریخی معین از کمونیسم (یا از تکامل آن)، چنانچه، در میان "کمونیست ها"، تعلق طبقاتی غیرکارگری یا اینکه شیوه تفکر و برخورد غیر علمی و یا هر دوی آنها از حدود وسیع و بالای معینی فراتر رود، آنگاه "کمونیسم" مربوطه آنان نوعی "غیر کمونیسم" بوده و یا به آن مبدل میشود. و در صورتیکه این

دو مشخصه در میان افراد مزبور کمتر یا بویژه بسیار کمتر از حدود معین مذکور باشد آنگاه ما با ایده ها و نظرات و خط مشی هایی از سوی آنان مواجه میباشیم که تا حدی یا بطور نسبی کاملاً منطبق با کمونیسم است. حدود معین مزبور را باید در مورد هر مرحله تاریخی معین کمونیسم با بررسی حقیقتاً کمونیستی (علمی و طبقاتی کارگری) شرایط و خصوصیات آن مرحله تعیین نمود.

من فکر میکنم که آنچه بیان شد عبارتست از توضیح طبقاتی کارگری و علمی اشکال و درجات مختلف گرویدن کمونیستها به غیر کمونیسم

حمید پویا

21 دسامبر 2019.

۱- نوشته حاضر ترجمه مقاله ای بزبان انگلیسی و با همین عنوان و با تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۱۹ میباشد که من آن را در حدود این تاریخ نوشته ام و اکنون خودم آن را به فارسی برگردانده ام و در ضمن این کار اصلاحات خیلی مختصری هم در آن وارد کرده ام. حمید پویا ۲۹ مارس ۲۰۲۰

به کانال تلگرام ما بپیوندید



@fedayi1349
آخرین اخبار و گزارشات .
مقالات . اطلاعیه ها و
نشریات سازمان اتحاد
فداییان کمونیست را از
کانال فدائی در تلگرام
دریافت کنید .
<https://t.me/fedayi1349>

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در محکومیت حملات هوایی و زمینی رژیم های ترکیه و ایران به مناطقی از کردستان عراق

صبح روز دوشنبه بیست و ششم خرداد نیروی هوایی ارتش متجاوز رژیم فاشیست ترکیه در عملیاتی وسیع اقدام به بمباران اردوگاه آوارگان "مخمورو" مناطقی از "شنگال" در اقلیم کردستان عراق کرده است. همچنین نیروی زمینی ارتش ترکیه با استفاده از آتش توپخانه طی چند روز گذشته مناطقی از استانهای "زاخو" و "دهوک" در اقلیم کردستان عراق را مورد حمله قرار داده است و بر اثر این یورش های جنایتکارانه خسارات جانی و مالی به مردم ساکن در این مناطق و باغ ها و مزارع شان وارد شده است.

همزمان با یورش وحشیانه نیروهای ارتش متجاوز ترکیه به این مناطق، سپاه پاسداران رژیم جمهوری اسلامی هم با استفاده از توپخانه، بلندی های "آلانه" و "به رازکان" و "مارین" در مرز شهر "چومان" کردستان عراق را بمباران کرده و خسارات وسیعی به مردم این مناطق وارد کرده اند.

این اولین بار نیست که ارتش های متجاوز رژیم های فاشیست و سرکوبگر ترکیه و ایران با استفاده از تیبانی و مماشات حاکمیت در اقلیم کردستان عراق و به بهانه حضور نیروهای حزب کارگران کردستان (پ. ک. ک) و احزاب اپوزیسیون کرد ایران اقدام به بمباران این مناطق می کنند، بلکه در طول سالیان اخیر همواره این دو رژیم جنایتکار با پشت سر گذاشتن مرزها و با استفاده از انواع سلاح های سبک و سنگین و حملات هوایی و زمینی مناطق وسیعی از خاک اقلیم کردستان عراق را مورد یورش جنایتکارانه خود قرار داده و خسارت های سنگین جانی و مالی به مردم زحمتکش ساکن در این مناطق وارد کرده و باعث خانه خرابی و آوارگی مردم گشته و مزارع و باغ ها و روستاهای زیادی را به آتش کشیده اند.

این حملات وحشیانه و تجاوزگریها در شرایطی به وقوع می پیوندد که هر دو رژیم هار و سرمایه داری ترکیه و ایران با انبوهی از بحران های عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست به گریبانند و شکست های پی در پی سیاست های ارتجاعی و ضد کارگری شان در داخل مرزها و ناکامی در تامین موقعیت مطلوب منطقه ای در خارج مرزهایشان، آنان را واداشته به هر جنایتی علیه مردم ساکن در این مناطق دست بزنند و با فرافکنی مشکلاتشان به خارج از مرزها افکار عمومی توده های مردم ستم دیده و طبقه کارگر را منحرف کرده و از پاسخگویی به نیازها و مطالبات اساسی و روزمره طبقه کارگر و مردم زحمتکش شانه خالی کنند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، ضمن محکومیت شدید حملات تجاوزکارانه نیروهای نظامی ایران و ترکیه به مناطق مرزی اقلیم کردستان عراق که شرایط ناامن و نگران کننده ای را به مردم زحمتکش این مناطق تحمیل کرده است، مناسب ترین راهکار را دخالتگری افکار عمومی پیشرو و مترقی مردم منطقه و جهان در اعمال فشار به حاکمیت ها و نهادهای بین المللی جهت خاتمه دادن به این وضعیت درد آور و کوتاه کردن دست رژیم های جنایتکار ترکیه و ایران از منطقه و همچنین سازمان دادن اعتراضات وسیع توده ای بر علیه کل حاکمیت در این دو کشور می داند.

مرگ بر رژیم های ارتجاعی و جنایتکار ایران و ترکیه
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم



29 خرداد ۱۳۹۹ - 18 ژوئن ۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

"میخواهم مثل پرنده ای باشم که بتوانم به روی هاوانا پرواز کنم"



گزارشاتی از کوبا

خسرو اسدیان

در ادامه بازگویی نوشته هایم از کوبا برای شما، ترجمه مقاله دیگرم را که به فارسی برگردانده ام، اینک در اختیار شما قرار میدهم. امید است، بتوانم تا حد ناچیزی هم که شده، گوشه دیگری از آنهمه یادگاری، یادبودها و آموخته هایی را که در طی اقامتم در کوبا دریافته ام، در اینجا نیز توانسته باشم، ارائه دهم. در کار کمونیستی شماره 180 و در سایت سازمان مقاله "عملیات اوباما" را که مقاله اول بود، امیدوارم که ملاحظه کرده باشید.

"میخواهم مثل پرنده ای باشم که بتوانم به
روی هاوانا پرواز کنم"

براستی چه کسی میتواند بگوید که هاوانا را خوب میشناسد و خوب با آن آشنا است؟ چنین چیزی ممکن نیست، حتی خیلی از هاوانایی ها نمیتوانند بگویند که تمام هاوانا را میشناسند.

آخ هاوانا، خودت بگو که چه چیزهایی را درخود نهفته ای که قابل رؤیت نیستند. تمامی انسانهایی که دور و بر خودت جمع و جور کردی، محله هایت، خیابانهایت، ساختمانهای تو، تاریخ تو، پیروزی تو،

انقلابیون کوبایی در طی این جنگ رهایی بخش، در کنار خود، مبارزین فرانسوی، ایتالیایی و اسپانیایی متولد شده در کوبا را در کنار خود داشتند. حتی امریکاییهای انقلابی و بخصوص نیروهای مبارز پورتوریکو و مبارزین معروفی چون ماکزیمو گومه ز

(Máximo Gómez از جمهوری دومینیک، در صفوف مبارزه کوبایی ها برای رهایی از استعمار اسپانیا بودند. این جنگ و مبارزه آزادیبخش به سراسر کوبا کشانده شد و به مدت سی سال ادامه یافت (1868 - 1898). بهمین خاطر جنگ سی ساله و جنگ بزرگ (Guerra Larga نامیده میشود. به یادبود "مانیفست 10 اکتبر"، این روز در کوبا تعطیل رسمی ست. در این جنگ ضداستعماری کوبایی ها، یکی از رهبران معروف کوبایی، فیلسوف، شاعر و نویسنده انقلابی، خوزه مارتی (José Martí) که بنابه ادبیات و آثار منتشرشده از طرف وی، آشنا به ایدئولوژی مارکسیسم، نقش مهمی را در هدایت این جنگ ضداستعماری بعهده داشت. بعد از سی سال جنگ طولانی، در سال 1898 میلادی اسپانیا در این جنگ شکست خورد و آخرین کشور مستعمره خود را در امریکای لاتین از دست داد. در سال 1898 برای اولین بار جمهوری کوبا تأسیس شد.

در روی تپه های محله 10 اکتبر چه مناظری، چه دیدگاهی که تا کازابلانکا، ناحیه شمالی تو، هاوانا، همه چیز قابل رؤیت است. مناظر زیبایی که شب و روز جذابیت خاص خود را دارد. خانه ای که در آن، کامیلو سینفوه گوس (Camilo Cinfuegos) بنیاد آورنده، در این محله 10 اکتبر تو قرار دارد. چیزی که فقط متعلق به تو است. اینکه کامیلو در این محله بنیاد آورنده، اصلا خبر نداشتی. فرمانده هی او، وظایفش و مبارزه اش برای آزادی غرب کشورت از دست دیکتاتور باتیستا، چیزی که زبانزد همه است. سپاس از این محله ات که به کامیلو امکان داد، در این محله بنیاد بباید، دوران کودکی و جوانی را پشت

آزادی تو که در اول ژانویه 1959 بدست آوردی، اینها همه به تو تعلق دارند.

هاوانا، میدانی که خیلی ها علاقه به دیدارت هستند. اما چرا؟ کسی که واقعا بخواهد ترا بخوبی بشناسد، بهتر است که یک پرنده باشد. اما کسی که بال هم نداشته باشد، بهرحال میتواند به تو نزدیک شود و بیشتر با تو آشنا شود!

چند وقت پیش با خط 12 با اتوبوس واحد شهری از ناحیه محله سرو (Cerro) به محله 10 اکتبر

(Diez de Octubre) در جنوب شرقی تو، سر زدم. نام محله 10 اکتبر در هاوانا به یاد روزی ست که کارگران مزارع نیشکر در شرق کوبا در تاریخ 10 اکتبر 1868 میلادی با انتشار "مانیفست 10 اکتبر" برای اولین بار مبارزه و جنگ را بر علیه اشغالگران اسپانیایی، اعلام نمودند. در ابتدای این شورش به رهبری کارلوس سزپه دس (Carlos Céspedes)، برده های مزارع آزاد شدند و پیوند وسیعی از برده های آزاد شده با مبارزین ضداستعمار بر علیه اشغالگران اسپانیایی آغاز گشت. آزادیخواهان و مبارزین مسلح توانستند ظرف سه روز بیش از 8 شهر را آزاد کنند و تا آخر اکتبر توانستند بیش از 12000 مبارز مسلح را در کنار خود جمع آوری کنند. برده ها و نیروهای آزادیبخش و

سرگزارد و بعد مبارزی از او از آب درآید. کامیلو سینفوه گوس عضو و جزیی از حرکت و جنبش 26 جولای در سال 1953 در کوبا بود که در پیروزی انقلاب کوبا در سال 1959 نقش بسزایی را به همراه فیدل، چه و رائول بعهدہ داشت. وی محبوبیت زیادی مابین توده های مردم کوبا داشته و دارد، بخصوص مابین دهقانان نامش همیشه بر زبان است.

ودادوی جدید (Nuevo Vedado) محله ضلع غربی تو که منطقه ای پرسبز را به خود تعلق دارد. رودخانه آلمندرس (Almendres) که راهش را در وسط این محله به دریای کارئیب باز کرده. درختهایی که صدها سال را پشت سر گذارده اند و در کنار نخلهای سبزت، قوت خاصی به این محله ات داده اند. در گذار از خیابانهای پیچ و خم زیباییات از این محله، به خیابانی میرسم که ساختمان آرشیو چه گوارا در آنجاست. در روبروی ساختمان آرشیو چه گوارا، در همین خیابان، خانه چه (Casa del Ché) قرار دارد. خانه ای که چه، بعد از پیروزی انقلاب سرخ کوبا در سال 1959، سه سال با خانواده اش و بچه هایش در آن بسر برده است. مرکز و ساختمان آرشیو چه گوارا نزدیک 2 سال است که بازسازی شده و فقط برای تحصیل و مطالعه، تحقیق و پژوهش زندگی چه گواراست. این مرکز با کوشش و تلاش دختر چه گوارا (Aleida)، پسر چه (Camilo)، همسر چه (Aleida) که در دهه 50



“صدای نامیرا”
برنامه ای از
صدای فدائی
بمناسبت سی
ونهمین سالگرد
اعدام رفیق سعید
سلطانپور بدست
جاتیان جمهوری اسلامی. این برنامه
را در سایت های سازمان و همچنین
کانال تلگرامی سازمان میتوانید دریافت
کنید .

<https://fedavi.org/namira/>

هاوانا، چه تاریخی، چه لحظاتی را که تو پشت سر نگذاشتی. برآستی که به یاد ماندنی ست. بدون این تاریخچه که تو داری، اینهمه مردم دنیا به تو علاقمند نمیشدند. مطمئن باش که نه تنها نخلهای سر بلند و تنومندت، آفتاب تابانت، مشروبات تولید شده از مزارع نیشکرت، مزارع توتون و سیگارهایت و دریاها دور و برت باعث شده اند که مردم را به پیش تو بکشاند، بلکه تاریخ سرخت، تاریخ مبارزه ات بر علیه امپریالیستها، تاریخ مبارزه ات بر علیه دیکتاتوری و نظم استثمارگرانه سرمایه داری، اینهاست که مردم را علاقمند به تو کرده است. مبارزه تو برای آزادی، مبارزه ات برای جدایی دین از دولت، دختران و پسران و مبارز کمونیستی که در کنار خود داری، دستاوردهای سوسیالیستی که به تحقق رسانده ای، اینها هستند که قابل افتخارت شده! رنگهایی که با خود به همراه داری، انسانهای سیاه و سفید، با رنگهای مختلف، در کنار هم و با هم، همه جا همراه تو هستند، اینها هستند که تعلق به تو دارند!

هاوانا، میخوام به پروازم ادامه دهم و اگر اجازه دهی دوست دارم بزودی به محله بویه رو (Boyero) به دیدارت بیایم.

آوریل 2016
خسرو اسدیان

" کسی که میخواد جهان را تغییر دهد، بایستی آنرا بشناسد.
کسی که میخواد خودش را نجات دهد، احتیاج به رفقا دارد.
کسی که میخواد نیرویش را به تحرک درآورد، بایستی خودش را سازماندهی دهد.
کسی که برای یک زندگی آزاد و انسانی تلاش میکند و میخواد آینده را بدست آورد،
بایستی مبارزه کند."
ارنستو چه گوارا

میلاادی عضو و نیروی مبارز جنبش و حرکت 26 جولای بود (در کار کمونیستی شماره 180 اشاره به این جنبش شده است) و برادر کوچک چه گوارا خوان - مارتین (Juan - Martín) و با کمک خیلی از همزمان و یاران چه گوارا به راه انداخته شده است.

هاوانا، تو فقط محله ودادوی نو (Nuevo Vedado)، محله قدیمی هاوانا و بیخا (Habana Vieja)، محله سرو (Cerro) و محلات و مناطق توریستی نیستی! حالاست که برام مفهوم شده که چه وسعتی و چه اندوخته ای را در خود گنجاده ای. برآستی اگر کسی بخواهد ترا خوب بشناسد، بایستی حوصله و صبوری را با خودش به همراه بیآورد. بدون صبر و حوصله، آگاهی و مطالعه، هیچ چیزی در اینجا به خوبی قابل عمل و مورد مشاهده نیست. حتی انقلاب 1959 با آگاهی، حوصله و جسارت بر علیه جبار بی رحمی چون باتیستا توانست به پیروزی برسد. 1952 میلادی، پیش تو هاوانا، گروهها و تشکیلات زیادی بودند که بر علیه باتیستا مبارزه میکردند. آنطور که به من توضیح دادی، یک گروه آتارشیست، میخواست هر طور شده باتیستا را ترور کند و او را از بین ببرد تا بلکه انقلاب را از این طریق هر چه زودتر به پیروزی رساند. اما فیدل و انقلابیون همراه وی، مخالف چنین آکسیون بودند، چرا که آنها معتقد بودند برای پیروزی انقلاب بایستی اعتصاب سراسری همراه با قیام توده ای سر گیرد و بر علیه باتیستا و نوکر امپریالیسم بایستی متشکل و متحد و سازماندهی شد و نه اینکه با کشتن دیکتاتور باتیستا، از وی یک قربانی بوجود آورد. بایستی نظم نامساوات و استثمار سرمایه داری دیکتاتور را درهم شکست.
سرانجام، هاوانا، سازماندهی، آگاهی، استقامت، هوشیاری و جسوریت تو ثابت کردند که توانستی به پیروزی برسی، چرا که یک برنامه برای رهایی ت در دست داشتی.



” بهاران ”

بهاران برگ هاست
 زلال آبشار
 آرزوهای ناتمام کودکان کار
 خون تو
 هیاهوی کوچه
 کودکان پشت بساط آلوچه
 بر شعله زخم تو نشسته ام اینجا
 بر چهارراه دود و گلوله و دیو و زره پوش
 و آب می شود
 و آب می شود صخره ی یخین هراسم
 این اشک نیست که فرو می چکد از چشمم
 برگرگر شکفته زخمت

بر گرگر زخم شکفته ات
 دست و دلمان گرم می شود
 از نیازهای سوخته معشور
 تا جنگل های به غارت رفته گیلان
 تا مردمانی که درو می شوند
 هر روزه ، هر کجا در رویای نان
 از کوره پزخانه ها

از زورآبادها
 از زخم ها و پینه ها
 از لای دندان چرخنده ها
 از پشت دار قالی
 از فراز دار

هااااای بگذار بنویسم بگذار
 با نی استخوان کتف شکسته خواهرت بنویسم
 بنویسم

با ساق خونین برادرت بنویسم
 مویه های مادران داغدار
 مادران سیاه پوش
 مادران روسری سپید
 مادرحمید، فرزند، پویا
 مادر فاطمه، سحر، ثریا :
 گلم پرپر شد از باد خزان

شکسته ساقه اش در نوجوانی
 بیا دل سوخته تا دم بگیریم
 سرود مادران خاورانی

شاهید نه نوجوانم، مال و مینم
 وه داخدا پانیه کیشم تا بمینم
 هزاران چار نه گسر بمرم هه لسم
 هه تا نهو رووژه ک حقد بسینم

هزاران سهره پر خونین ببینی
 لباس مادران مشکین ببینی
 هزاران تلخ تر از این ببینی
 که سفره ی ظالمی رنگین ببینی

روونه م کوشتن سزائن چهرگ و گیانم
 کوتان بهیداخ خهم وه نیشتمانم
 سهنگس چوونه و نیهکم روونه ی شهیدم
 هه تا رووژئ نه مینیندن سفانم

گلوله بر دل یارم نشسته
 میان کوچه ها خون لخته بسته
 نگه کن کام ظالم تا برآید
 جنازه می برند دسته به دسته

زمسانه و زه لانه و خهم له پهی خهم
 تهپ و تووژه و شهواره و سهردهوا و تهم
 کسه سی پانیه لگرت پهی داد نایهم
 نه گووده رزئ نه زووراوئ نه رووسهم

جنازه می برند از کوی و برزن
 جوان و نوجوان از مرد و از زن
 تن آباتمان در خون کشیدی
 بمان چشم انتظار ماه بهمن

بنویسم
 و با کلمات راهی شوم
 بر کرانه کارون و زنده رود
 بر دهان کف آلود سیمره، ارس
 و تن ماهیان سیاه کوچک را
 از گوشه گوشه این خاکستر سرد جمع کنم
 همه را بریزم در کوله پشتی حافظه ام
 ببرم تا زمین های بایرمان
 و نامشان را یکایک، دانه دانه، برگوشه گوشه این خاک
 تشنه لب
 بکاریم
 تا شکوفه ..
 تا گل ..
 تا گندم ..

تا گرد گرگر شکفته زخمت
 تا گرد گرگر زخم شکفته ات
 گروه گروه، دسته دسته
 با خط و خاک خوردگیمان
 با آستین های چرک و کفش های پاره مان
 نان بیزیم ، نااان
 تا بوی آن
 بوی بد دهان این نرکدده خدای را از خانه هامان بزاداید
 و پای بکوبیم و بخوانیم :

دنپای نک و نوار هات
 رهنجی کیشایم وه بار هات
 واده ی سهیران یار هات
 مهردمه گه و هار هات

پهروانه ی خال وه خال هات
 زه لان چن و شه مان هات
 دار بینز و حال هات
 مهردمه گه و هار هات

قلای زوردار بی ویران
 سفره ی هه ژار پر له نان
 وه سه چن جزر زمسان
 مهردمه گه و هار هات

دهنگ ته موره و شمشال
 وینه ی که پوو سوک بال
 پیر کیشیدن ماله مائل
 مهردمه گه و هار هات

سیبه درارن له وه ر
 ساز و دیول که این خه وهر
 دوره ی زالم چن وه سه ر
 مهردمه گه و هار هات

ههم جار چق جار جارن
 چیمن گول خهی وه داوان
 غه ریه ییل تیهن وه باوان
 مهردمه گه و هار هات

احسان حقیقی نژاد

**کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر
 هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان
 کمونیست منتشر می شود .
 برای تماس با سازمان اتحاد فداییان
 کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از
 آدرسهای زیر تماس بگیرید :**

روابط عمومی
webmaster@fedayi.org
 کمیته کردستان
Kurdistan@fedayi.org
 کمیته آذربایجان
azar@fedayi.org
 کمیته تهران
Tehran@fedayi.org
 کمیته کرج
karj@fedayi.org

**نشریه سیاسی و تحلیلی کار کمونیستی
 علاوه بر انعکاس مواضع نظرات و تحلیل
 های سازمان. انعکاس دهنده مسائل
 سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و
 تاریخی از منظر دیدگاه های مختلف نیز
 هست. تحریریه نشریه از میان مطالب
 رسیده انتشار مطالبی را انتخاب و
 در البویت قرار خواهد داد که مستقیا
 برای این نشریه ارسال شده باشند لذا
 انتظار داریم انعکاس این مطالب در
 سایر نشریات و سایت ها با ذکر منبع و
 نام نویسنده صورت گیرد. از طریق
 ایمیل آدرس زیر
 نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را
 با در میان بگذارید .**